

رسالات زندان پولس

درس
اول

حبس پولس



THIRD MILLENNIUM
MINISTRIES

Biblical Education. For the World. For Free.

© 2020 by Third Millennium Ministries

All rights reserved. No part of this publication may be reproduced in any form or by any means for profit, except in brief quotations for the purposes of review, comment, or scholarship, without written permission from the publisher, Third Millennium Ministries, Inc., 316 Live Oaks Blvd., Casselberry, Florida 32707.

Unless otherwise indicated all Scripture quotations are from the HOLY BIBLE, NEW INTERNATIONAL VERSION. Copyright © 1973, 1978, 1984, 2011 International Bible Society. Used by Permission of Zondervan Bible Publishers.

ABOUT THIRD MILLENNIUM MINISTRIES

Founded in 1997, Third Millennium Ministries is a nonprofit Christian organization dedicated to providing **Biblical Education. For the World. For Free.**

In response to the growing global need for sound, biblically-based Christian leadership training, we are building a user-friendly, donor-supported, multimedia seminary curriculum in five major languages (English, Spanish, Russian, Mandarin Chinese, and Arabic) and distributing it freely to those who need it most, primarily Christian leaders who have no access to, or cannot afford, traditional education. All lessons are written, designed, and produced in-house, and are similar in style and quality to those on the History Channel[®]. This unparalleled, cost-effective method for training Christian leaders has proven to be very effective throughout the world. We have won Telly Awards for outstanding video production in Education and Use of Animation, and our curriculum is currently used in more than 192 countries.

Third Millennium materials take the form of DVD, print, Internet streaming, satellite television transmission, and radio and television broadcasts.

For more information about our ministry and to learn how you can get involved, please visit <http://thirdmill.org>.

سرشناسه: رسالات زندان پولس (درس شماره ۱: حبس پولس)

مدرس: ریجی کید

حق چاپ ترجمه فارسی این اثر برای انتشارات خدمات مسیحی هزاره سوم محفوظ است. هرگونه نسخه برداری، چاپ، توزیع و دخل و تصرف در این اثر بدون اجازه ناشر مطابق قانون حق مولف ممنوع و منوط به کسب اجازه رسمی از ناشر است. ارجاعات کتاب مقدسی از ترجمه قدیم و هزاره نو (انتشارات ایلام) و ترجمه مزده برای عصر جدید (انجمن متحد کتاب مقدس) گرفته شده است.

فهرست مطالب

(۱) مقدمه

(۲) پیش‌زمینه

وقایع پیش از دستگیری

دستگیری در اورشلیم

حبس در قیصریه

حبس در روم

(۳) تداوم مقاومت

کتاب اعمال رسولان

آگاهی از رنج

آگاهی از هدف

آگاهی از برکات

نامه به کلیساها

موعظه

دعا

رنج

نامه‌نگاری

(۴) پیوستگی الاهیاتی

پادشاهی خلقت

حاکمیت

حرمت

عزم

اتحاد با مسیح

زندگی اخلاقی

مسیح پادشاه

اتحاد با مسیح

(۵) نتیجه‌گیری

رسالات زندان پولس

درس ۱

حبس پولس

مقدمه

در سال ۱۶۷۵ در بدفورد انگلستان، جان بانیان، واعظ و نویسنده مشهور پیوریتن به خاطر موعظه بدون مجوز در ملاءعام، دستگیر و به مدت شش ماه زندانی شد. پیش از آن، او دوازده سال را در زندان سپری کرده و طی همین زمان، کتاب‌ها و جزوات بسیاری نوشته بود. بنابراین، به جای آنکه این حبس جدید را یک فاجعه بزرگ ببیند، دیدگاهی خوش‌بینانه نسبت به آن اتخاذ کرد.

به نقل از بانیان اینطور آمده که: «مدت‌ها بود که از نویسندگی دور مانده بودم. شاید این زندان بیشتر دفتری است که از آنجا می‌توانم پیام مسیح را به دنیا برسانم.»

اینها چه دقیقاً کلمات بانیان باشند یا نه، خدمت او طی این دوره کوتاه زندان انکارنشدنی است. در طول همین ماه‌ها بود که او «سیاحت مسیحی» را نوشت؛ حکایتی از زندگی مسیحی که احتمالاً مشهورترین کتابی است که تاکنون به زبان انگلیسی نوشته شده است.

همه ما باید کسی که موفقیت‌های زیادی در زمان زندان برای مسیح به دست می‌آورد را تحسین کنیم. اما اگرچه شکی در اهمیت کار بانیان وجود ندارد، کار پولس رسول دستاوردی بس عظیم‌تر داشت. او در طول چهار سال زندان در قیصریه و روم، رسالاتی نوشت که بسیار مهم‌تر از «سیاحت مسیحی» بانیان هستند.

این اولین درس از مجموعه دروس «رسالات زندان پولس» است. در این مجموعه دروس، به مطالعه نامه‌هایی از پولس می‌پردازیم که معمولاً «رسالات زندان» خوانده می‌شوند. اینها نامه‌هایی هستند که وقتی او به خاطر خدمات خود به مسیح در زندان بود، خطاب به کلیساها و افراد مختلف نوشت. این درس را «حبس پولس» نامیده‌ایم. در این درس به شرایطی نگاه خواهیم کرد که دلیل نگارش نامه‌های پولس به کولسیان، فلیمون، افسسیان، و فیلیپیان بودند.

بحث ما درباره حبس پولس به سه موضوع اصلی خواهد پرداخت: نخست، به پیش‌زمینه حبس پولس ابتدا در قیصریه و سپس روم نگاه خواهیم کرد. دوم، به کنکاشی در تداوم خدمت او در زمان حبس خواهیم پرداخت تا ببینیم او چگونه به خدمت مسیح به عنوان یک رسول حتی در زمان زندان ادامه داد. و سوم، با تمرکز بر بعضی مضامین اصلی مشترک، پیوستگی الاهیاتی رسالات زندان را خواهیم سنجد. بیایید با پیش‌زمینه حبس پولس شروع کنیم.

پیش‌زمینه

یکی از اولین نکاتی که باید به آن اشاره کنیم این است که محققین، بر سر مکانی که پولس در زمان نگارش نامه‌های خود به کولسیان، فلیمون، افسسیان، و فیلیپیان در آنجا محبوس بود، چند دسته شده‌اند. برخی باور دارند که او این نامه‌ها را از قیصریه نوشت و برخی دیگر باور دارند که از روم نوشته شده‌اند. ما در این درس استدلال خواهیم کرد که احتمالاً پولس این نامه‌ها را از روم نوشته است، اگرچه این جزئیات در تفاسیر ما نقش آنچنانی ندارند. با این وجود، از آنجا که محققین برجسته بر سر این امور اختلاف نظر دارند، ما باید در مورد زمانی که او در هر دوی این شهرها گذرانده، صحبت کنیم.

بررسی ما از پیش‌زمینه حبس پولس، با مطالعه‌ای اجمالی در وقایع پیش از دستگیری او آغاز می‌شود. سپس، سیری در اتفاقات حول دستگیری او در اورشلیم و حبس اولیه‌اش در قیصریه خواهیم داشت. در نهایت، به حبس پی‌آمد او در روم خواهیم پرداخت. بیا بیا ابتدا به وقایع پیش از دستگیری او نگاه کنیم.

وقایع پیش از دستگیری

در اواخر سومین سفر بشارتی پولس، احتمالاً حدود سال‌های ۵۶ یا ۵۷ میلادی، پولس و همسفرانش عمدتاً با قایق، در مسیر آسیای صغیر به اورشلیم بودند. قصد آنها تحویل مبالغی به مسیحیان فقیر اورشلیم بود که درگیر یک قحطی بودند. آنها سر راه خود در میلیتوس توقف کردند تا پولس با راهبران کلیسای افسس دیدار کند که در نزدیکی آنجا قرار داشت. در این دیدار بود که پولس اعلام کرد روح‌القدس به او هشدار داده است که در بازگشت به اورشلیم، زندانی خواهد شد.

ما سخنان نبوتی او را در اعمال ۲۰: ۲۲-۲۴ می‌خوانیم:

با الزام روح به اورشلیم می‌روم و نمی‌دانم در آنجا چه برایم پیش خواهد آمد؛ جز آنکه در هر شهر روح‌القدس هشدار می‌دهد که زندان و سختی در انتظار من است. اما جان را برای خود بی‌ارزش می‌انگارم، تنها اگر بتوانم دور خود را به پایان رسانم و خدمتی را که از خداوند عیسی یافته‌ام، به کمال انجام دهم، خدمتی که همانا اعلام بشارت فیض خداست (اعمال ۲۰: ۲۲-۲۴).

پولس در شهرهای زیادی، با ایماندارانی دیدار کرد که حبس او در اورشلیم را نبوت کردند. اما روح‌القدس او را به سوی این حبس ملزم کرد. بنابراین، پولس می‌دانست که این نبوت‌ها نه برای دلسردی او از مسیرش، بلکه

آماده‌سازی او برای سختی‌های پیش رو بود. پولس دشمنان زیادی در اورشلیم داشت و می‌دانست که احتمال دارد وقتی به آنجا برسد، دستگیر و زندانی شود. اما او این را نیز می‌دانست که این رنج‌ها بخشی از نقشه خدا برای اوست. پولس و همسفرانش از راه دریا، از میلیتوس به کوس، سپس رودس، و بعد پاتارا رفتند. در پاتارا کشتی‌ای یافتند که آنها را پیش از رسیدن به صور، از قبرس عبور داد. در صور، روح‌القدس از ایمانداران زیادی برای هشدار به پولس درباره سختی‌های پیش رو در اورشلیم استفاده کرد. اما پولس همچنان مصمم بود تا به هدف خود برسد. آنها از صور و از طریق دریا به پتولامائیس، و از آنجا به قیصریه در ساحل سامریه رفتند. چون در دنیای باستان، شهرهای زیادی به نام قیصریه نامیده می‌شدند، این شهر به‌خصوص برای تمایز از بقیه گاهی «قیصریه ماریتیما» خوانده می‌شود که به معنی «قیصریه دریایی» است.

پولس طی اقامت در قیصریه ماریتیما، باز هم هشدار داده شد که به اورشلیم نرود. در یک صحنه نمایشی مشهور، آگابوس نبی به عنوان یک نشانه نبوتی، دست‌ها و پاهای خود را بست تا به پولس هشدار دهد که اگر به اورشلیم برود دستگیر و زندانی خواهد شد. سخت نیست که درک کنیم چرا دوستان پولس نمی‌خواستند او دستگیر شود. احتمالاً آنها نگران امنیت پولس بودند و نمی‌خواستند که آسیب ببیند. اما پولس می‌دانست که خدا نقشه داشت تا از دستگیری و حبس او برای گسترش انجیل استفاده کند. همانطور که در اعمال ۲۱:۱۳ می‌خوانیم:

پولس پاسخ داد: «... من آماده‌ام به‌خاطر نام خداوند عیسی نه تنها به زندان روم، بلکه در اورشلیم جان بسپارم» (اعمال ۲۱:۱۳).

پولس درک کرده بود که حبس پیش‌رو «به‌خاطر نام خداوند عیسی» خواهد بود؛ به این معنا که روح‌القدس از حبس پیش‌روی پولس به عنوان ابزاری برای پیشرفت انجیل و خدمت به کلیسا استفاده می‌کرد.

پولس دلیل خوبی برای اعتماد به روح‌القدس در زمان رویارویی با این خطرها داشت. او پیش‌تر، طی دومین سفر بشارتی، مراقبت روح‌القدس از خود را دیده بود. بر اساس اعمال ۱۶: ۶-۱۰، پولس قصد داشت تا انجیل را در آسیا و بیطینییه موعظه کند، اما روح‌القدس او را منع کرد. اگرچه این باید به نظر پولس عجیب رسیده باشد، اما او اطاعت کرد و به تروآس رفت.

در تروآس، پولس رویایی دریافت کرد که نقشه خدا را نشان داد: پولس می‌بایست انجیل را به مکادونیه می‌برد. کار پولس در مکادونیه بسیار پر ثمر بود. اما اگر او با عدم اطاعت از روح‌القدس، در آسیا و بیطینییه موعظه می‌کرد، نمی‌توانست در مکادونیه موعظه کند. از طریق این تجربه و بسیاری تجارب دیگر، پولس آموخته بود که خدا از راه‌های مرموزی عمل می‌کند. برای پولس همین کافی بود که بداند خدا از او می‌خواهد چه انجام دهد و اعتماد کند که خدا از این سختی‌ها برای انجام کاری شگفت‌انگیز و غیرمنتظره استفاده خواهد کرد.

با چنین اطلاع اندکی از آینده خود، اما همچنین با اعتماد به روح خدا، پولس خود را به رویارویی با زندان متعهد کرد. او سومین سفر بشارتی خود را با سفر به اورشلیم، احتمالاً در سال ۵۷ میلادی، تکمیل کرد. بر اساس اعمال ۲۰: ۱۶، احتمالاً نزدیک پنتیکاست، در اوایل تابستان به اورشلیم رسید.

دستگیری در اورشلیم

حال که با وقایع پیش از دستگیری پولس آشنایی پیدا کردیم، در موقعیتی هستیم که اتفاقات دستگیری او در اورشلیم را بررسی کنیم. چطور پولس با صاحب‌منصبان در اورشلیم دچار اختلاف شد؟ چرا او زندانی شد؟ وقتی پولس به اورشلیم رسید، در منزل ایماندارانی به نام مناسون اقامت کرد و کلیسا به گرمی از او استقبال کرد. روز بعد، پولس با یعقوب دیدار کرد که برادر عیسی و نویسنده کتاب یعقوب در عهد جدید بود. راهبران کلیسای اورشلیم نیز برای دیدار با پولس جمع شدند.

احتمالاً در همین زمان بود که پولس کمک‌های نقدی جمع‌آوری شده برای قحطی طی سومین سفر بشارتی‌اش را به آنها تحویل داد. از نامه‌های پیشین پولس مثل رومیان و اول و دوم قرنتیان می‌دانیم که او درباره نقشی که این پول می‌توانست نه فقط در کمک به فقیران اورشلیم، بلکه در مصالحه یهودیان و غیر یهودیان داشته باشد نیز، بسیار علاقه‌مند بود.

پولس امیدوار بود که وقتی ایمانداران یهودی این هدایا را از غیریهودیان دریافت کنند، قدرشناسی آنان باعث می‌شود تا بیشتر مایل شوند که غیریهودیان را کاملاً به عنوان برادر در مسیح بپذیرند. اما گزارش لوقا در اعمال، اشاره‌ای به تحویل کمک‌های نقدی نمی‌کند. در عوض، نگرانی‌های به‌خصوصی که کلیسای اورشلیم درباره خدمت پولس داشت را برجسته می‌کند. شاید این نشان می‌دهد که کلیسای اورشلیم آنطور که پولس امیدوار بود، قدردان کمک‌های نقدی برای قحطی نبود.

به جای وجد از بخشندگی مسیحیان غیریهودی و تایید خدمت پولس، یعقوب و راهبران به او اطلاع دادند که شایعاتی درباره تعالیم و رفتارهای پولس به آنان رسیده است. به طور خاص، شایع بود که پولس به مسیحیان یهودی که در میان غیریهودیان زندگی می‌کنند تعلیم داده است تا رسوم یهودی مانند ختنه را نادیده بگیرند. اکنون، مسیحیان یهودی در اورشلیم عمیقاً باور داشتند که تمام مسیحیان یهودی باید رسوم یهودی را حفظ کنند. و یعقوب و دیگر راهبران نگران بودند که مسیحیان یهودی محلی به خاطر این شایعات با پولس مخالفت کنند.

باید لحظه‌ای در این بخش توقف کنیم تا اشاره کنیم که این شایعات درباره پولس، دروغ بودند. پولس در سرتاسر رسالات خود بر اعتبار قانون اخلاقی خدا که در عهد قدیم آمده، تاکید داشت. و فراتر از این، او حتی جوامع یهودی را به واگذاری سنت‌هایی که به شریعت موسایی اضافه کرده بودند هم تشویق نکرد. بر عکس، او خود نیز

وقتی در جوامع یهودی بود، از سنت‌های یهودی پیروی می‌کرد. با این حال، او تعلیم داد که با مرگ و رستاخیز مسیح، عصر جدیدی طلوع کرده بود. و همانطور که او در رسالات خود توضیح داد، نه یهودیان و نه غیریهودیان، هیچکدام «ملزم» به رعایت این سنت‌ها نبودند. مسیحیان به طور عمومی می‌بایست احترام زیادی به رسوم یهودی می‌گذاشتند، اما فقط برای گسترش انجیل در میان یهودیان غیرایماندار.

گوش کنید که او چطور موضع خود در مورد این موضوع را در اول قرن‌تین ۹: ۲۰-۲۱ توضیح داد:

نزد یهودیان چون یهودی رفتار کردم، تا یهودیان را دریابم. با آنان که زیر شریعتند همچون کسی که زیر شریعت است رفتار کردم تا آنان را که زیر شریعتند دریابم - هرچند خود زیر شریعت نیستم. نزد بی‌شریعتان همچون بی‌شریعت رفتار کردم تا بی‌شریعتان را دریابم، هرچند خود بدون شریعت خدا نیستم، بلکه مطیع شریعت مسیح (اول قرن‌تین ۹: ۲۰-۲۱).

زمانی که پولس در میان غیریهودیان بود، از رفتار مانند آنها دریغ نکرد. اما او همچنین شادمان بود که به خاطر انجیل از سنت‌های یهودی پیروی کند. اکنون، خدا پولس را موظف به حفظ این کاربردهای سنن یهودی از شریعت عهد قدیم نکرده بود. همانطور که پولس در اینجا می‌گوید، او آزاد بود تا این اعمال سنتی را رها کند. اما او در مسیح، از الزامات اخلاقی آزاد نبود. به طور خلاصه، پولس معتقد بود اکنون که مسیح آمده بود، کاربردهای شریعت خدا عوض شده بودند، اما همچنان پذیرفتنی بود که سنت‌ها به خاطر انجیل حفظ شوند.

دشوار نیست که تصور کنیم چطور چنین آموزه‌ی ظریفی ممکن بود اشتباه درک شود، و یا چرا شایع شده بود که پولس به یهودیان تعلیم داده است از سنت‌های خود دست بکشند. به هر روی، یعقوب و راهبران راه‌حلی یافتند که باور داشتند مسیحیان یهودی در اورشلیم را راضی می‌کند.

آنها مشخصا به پولس توصیه کردند تا تعهد خود به شریعت موسایی را با شرکت در مراسم هیکل در اورشلیم نشان دهد. به طور خاص، آنها از پولس خواستند تا همراه چهار مرد که نذری داشتند، برای آیین تطهیر بروند. آنها همچنین از پولس خواستند تا هزینه‌های مربوط به این چهار نذیره را نیز پرداخت کند که عمق دین‌داری پولس را نشان می‌داد.

پولس به عنوان رسول غیریهودیان، می‌دانست که اعمال او نه تنها بر نحوه درک مسیحیان یهودی از او، بلکه بر کل مسیحیان غیریهودی تاثیر می‌گذارد. احتمالا او امید داشت که با حمایت مالی از نذیره‌ها و تطهیر خود، چیزی به دست بیاورد که هدایای نقدی غیریهودیان نتوانسته بود؛ یعنی پذیرش گرم مسیحیان غیریهودی توسط مسیحیان یهودی. بنابراین، به خاطر مسیح در میان یهودیان، به خصوص برای مصالحه یهودیان و غیریهودیان در کلیسا، پولس با پیروی از قضاوت کلیسای اورشلیم در این باره، هفته تطهیر خود را آغاز کرد.

در انتهای هفتهٔ تطهیر پولس، او در صحن داخلی هیکل وقت می‌گذراند. زمین هیکل شامل یک صحن بیرونی و داخلی می‌شد. صحن بیرونی به وسیلهٔ یک دروازه از صحن داخلی جدا می‌شد. صحن بیرونی، صحن امت‌ها نامیده می‌شد چون غیریهودیان از تمام ملل اجازه داشتند وارد این صحن بشوند. اما صحن داخلی، یا صحن اسرائیل، تنها مختص به یهودیان بود. غیریهودیان که وارد صحن اسرائیل می‌شدند، مستحق مجازات مرگ بودند.

هنگامی که پولس در صحن اسرائیل بود، توسط برخی از یهودیان آسیای صغیر شناخته شد. به احتمال بسیار زیاد، آنها یهودیان غیرایماندار بودند و نه مسیحیانی که از یهودیت آمده باشند. همین یهودیان، پیش‌تر پولس را با مردی به نام تروفیموس دیده بودند که همسفر پولس در سفر به اورشلیم بود. تروفیموس نیز از اهالی آسیای صغیر بود و یهودیان آسیایی می‌دانستند که او غیریهودی است. بنابراین وقتی آنها پولس را در صحن اسرائیل دیدند، به اشتباه گمان کردند که تروفیموس نیز با او وارد آن صحن شده است و به همین دلیل، از کوره در رفتند.

در واکنش، این یهودیان شهر را علیه پولس شورانیدند و جمعیتی خشمگین او را از صحن اسرائیل بیرون کشیدند تا به قتل برسانند. اما وقتی فرماندهٔ سپاهیان رومی در اورشلیم شنید که شهر شورش کرده است، به شتاب تلاش کرد تا آشوب را سرکوب کند. پولس را به زنجیر کشید و دستگیر کرد. فرمانده - مردی به نام کلودیوس لیسپاس - در ابتدا قصد داشت پولس را تازیانه بزند تا او را به توضیح دلیل خشم جمعیت وادار کند، اما وقتی متوجه شد که پولس شهروند روم است تسلیم شد. پولس به عنوان یک شهروند روم از حمایت قانونی ویژه‌ای برخوردار بود که به او حق می‌داد بدون محاکمه به زنجیر کشیده یا مورد ضرب و شتم واقع نشود.

روز بعد، لیسپاس پولس را در حضور سنهدرین، هیئت حاکم یهودی، حاضر کرد تا از اتهامات او آگاه شود. ظاهراً هیچ شاهی از اینکه تروفیموس وارد صحن اسرائیل شده باشد وجود نداشت و بنابراین، پولس آزاد بود تا از خود دفاع کند و توضیح دهد که چرا یهودیان بی‌شماری از تعالیم او بر آشفته بودند.

همانطور که در اعمال ۲۳: ۶-۸ می‌خوانیم:

پولس که می‌دانست برخی از آنها صدوقی و برخی فریسی‌اند، با صدای بلند در شورا گفت: «ای برادران، من فریسی و فریسی‌زاده‌ام، و به‌خاطر امیدم به رستخیز مردگان است که محاکمه می‌شوم.» چون این را گفت، میان فریسیان و صدوقیان جرّ و بحث درگرفت و جماعت دو دسته شدند، چرا که صدوقیان منکر قیامت و وجود فرشته و روح‌اند، اما فریسیان به اینها همه اعتقاد دارند (اعمال ۲۳: ۶-۸).

پولس ادعا کرد که صدوقیان با او مخالفت کردند چون او یک فریسی بود و انجیلی که موعظه می‌کرد از جهات بسیاری با تعالیم فریسیان موافق بود. صدوقیان به رستخیز جسمانی مردگان باور نداشتند و در نتیجه، نمی‌توانستند تعلیم مسیحی پولس دربارهٔ رستخیز مسیح را تحمل کنند.

روز گذشته، پولس خطاب به جمعیت خشمگین توضیح داده بود که عیسی از مرگ برخاسته و در رویا به او ظاهر شده، و انجیل را برای او شرح داده است. بنابراین، وقتی پولس در حضور سنهدرین ادعا کرد که او انجیل را بر اساس رویای خود از مسیح برخاسته موعظه می‌کند، تا حدی همفکری فریسیان را به دست آورد. وقتی فریسیان دریافتند که پولس خود را یک فریسی می‌داند و از بسیاری جهات با اعتقادات آنان موافق است، شروع به دفاع از او در سنهدرین کردند. اما صدوقیان عقب نشستند و جدال بالا گرفت. بنابراین، لیسپاس دوباره پولس را به زندان برگرداند.

فردای آن روز لیسپاس قصد داشت تا پولس را بار دیگر در حضور سنهدرین حاضر کند که آنها دقیق‌تر درباره اتهامات او تحقیق کنند. اما خواهرزاده پولس به لیسپاس هشدار داد که چهل یهودی متعصب نقشه کشیده‌اند که کمین کنند و پولس را پیش از رسیدن به سنهدرین بکشند. حال، از آنجا که پولس شهروند روم بود، لیسپاس وظیفه داشت که از او محافظت کند. بنابراین، به جای اعزام پولس به سنهدرین، او را به خارج از اورشلیم و شهر همسایه یعنی قیصریه ماریتیم منتقل کرد و به زندان فلیکس، حاکم استان رومی یهودیه سپرد. اکنون که اتفاقات دستگیری پولس در اورشلیم را بررسی کردیم، باید به حبس او در قیصریه در زندان مارکوس آنتونیوس فلیکس، حاکم یهودیه توجه کنیم.

حبس در قیصریه

در طول مدت حبس پولس، استان رومی یهودیه اساساً از مناطق شناخته شده یهودا در جنوب، سامره در میانه، و جلیل در شمال تشکیل شده بود. به یاد دارید که قیصریه ماریتیم بر ساحل سامره واقع شده بود. این شهر همچنین، پایتخت استان رومی یهودیه نیز بود.

وقتی پولس احتمالاً در سال ۵۷ میلادی به قیصریه رسید، نخست به مدت پنج روز در بازداشت بود تا مدعیان او از اورشلیم برسند. مدعیان او شامل حنانیا، کاهن اعظم، جمعی از راهبران یهود، و شخصی به نام تروتولس می‌شد که وکیل این گروه بود.

وقتی مدعیان رسیدند، فلیکس محکمه‌ای تشکیل داد. در این محکمه تروتولس ادعا کرد که پولس نظم را بر هم زده و تحریک به شورش کرده بود. در نظر فلیکس حاکم که وظیفه حفظ نظم در یهودیه را بر عهده داشت، این جرمی بسیار جدی بود. اما از این مهم‌تر، آنها از دیدگاه یهودی خود، پولس را متهم به تلاش برای هتک حرمت هیکل کردند. راهبران یهودی حاضر در محکمه، این اتهام را تایید کردند؛ هرچند هیچ کدام از آنها به عنوان شاهدی رسمی پا پیش نگذاشت.

از قرار معلوم، یهودیان با تمام وجود شایعات دربارهٔ پولس را باور کرده بودند. به نظر می‌رسید آنها متقاعد شده بودند که پولس برای افول یهودیت می‌کوشید و با افتخار به هتک حرمت هیکل اذعان می‌کرد. و تنها شاهدهی که مدعیان یهودی داشتند، خود پولس بود!

ما سخنان پایانی ترتولس خطاب به فلیکس را در اعمال ۲۴: ۸ می‌خوانیم:

اگر شما خود از او بازخواست کنید، حقیقت هرآنچه او را بدان متهم می‌کنیم، بر شما آشکار خواهد شد (اعمال ۲۴: ۸).

پولس وکیل نبود، اما پاسخ او به مدعیانش قانع‌کننده بود. دفاعیهٔ او چهار نکتهٔ اصلی داشت: نخست، او اشاره کرد که هیچ شاهدهی برای هیچکدام از جرم‌های منتسب به او وجود نداشت. این به معنای آن بود که هیچکدام از اتهامات آنها مبنایی نداشت. این نکته اهمیت بسیاری داشت چون پولس متهم بود که جرایم خود را در روز روشن و در مکانی پر از جمعیت انجام داده است. اگر او گناهکار بود، حتماً باید شاهدهی وجود می‌داشت. دوم، او به درستی استدلال کرد که دیگران نظم را بر هم زدند و نه او. آشوب توسط یهودیان اهل آسیای صغیر شروع شده بود. پولس بر هم زندهٔ نظم روم نبود؛ بلکه یهودیان بودند. این حقیقت در نامهٔ لیسپاس تایید شده بود که یهودیان را به توطئهٔ قتل پولس متهم کرده بود.

سوم، و احتمالاً در حالی که مدعیان پولس غافلگیر شده بودند، او تاکید کرد که هیچ تمایلی برای بی‌حرمتی به هیکل ندارد. بر عکس، او به تمام آنچه در کتاب مقدس نوشته شده ایمان داشت و برای پرستش به هیکل آمده بود.

چهارم، پولس به محکمه یادآوری کرد که سنهدرین او را مجرم نشناخته بود. این استدلال کاملاً شکایت را زیر سوال می‌برد. هیئت حاکم یهودی، سنهدرین، هیچکدام از اتهامات منتسب به او را اثبات نکرده بود. چرا همچنان به دنبال اعدام او بودند؟

حال، در مشیت اسرارآمیز خدا، فلیکس حاکم بدی بود. او می‌توانست به خاطر اتهامات گنگ علیه پولس، او را آزاد کند، اما نکرد. در عوض، فلیکس این مسئله را به عنوان فرصتی برای نفع شخصی خویش دید. بنابراین، محاکمه را به تعویق انداخت، و منتظر بود که پولس به او پیشنهاد رشوه بدهد.

لوقا در اعمال ۲۴: ۲۶ توضیح می‌دهد:

[فلیکس] امیدوار بود پولس رشوه‌ای به او بدهد. از این رو، بارها احضارش می‌کرد و با او سخن می‌گفت (اعمال ۲۴: ۲۶).

در ابتدا، فلیکس گفت او زمانی به دعوای پولس رسیدگی خواهد کرد که لیبیاس، فرمانده رومی، به قیصریه برسد. اما فلیکس قضاوت دعوای پولس را دو سال به تعویق انداخت.

در پایان این دو سال فلیکس جای خود را به پورکیوس فستوس داد. وقتی فستوس در سال ۵۹ میلادی بر مسند نشست، مخالفین یهودی پولس در اورشلیم فرصت دیگری برای قتل او دیدند. آنها نقشه دام دیگری را کشیدند و به این بهانه که می‌خواهند دعوای پولس را بازگشایی و به صورت محلی به آن رسیدگی کنند، از فستوس خواستند که او را به اورشلیم بفرستد. بنابراین، فستوس جلسه استماع دیگری تشکیل داد که در آن از پولس پرسید اگر می‌خواهد، به جای قیصریه در اورشلیم به دعوای او رسیدگی شود.

در اینجا، پولس به جای موافقت با رسیدگی به دعوای او در اورشلیم، از حق خود به عنوان یک شهروند رومی استفاده کرد و خواست که دعوای او توسط شخص نرون قیصر شنیده شود؛ و فستوس راهی نداشت جز اینکه با درخواست پولس موافقت کند. کتاب مقدس انگیزه خاص پولس از این درخواست را ثبت نکرده است اما ما چند نکته از این جزئیات را می‌دانیم که شاید بتواند این موضوع را توضیح بدهد.

نخست، دلایل بسیار کمی وجود داشت که پولس باور کند بعد از محاکمه در اورشلیم آزاد خواهد شد. او پیش‌تر دو سال را در زندان گذرانده بود چون فلیکس نخواست که با او به انصاف رفتار کند. دلیلی وجود نداشت که فکر کند فستوس منصفانه‌تر از فلیکس قضاوت کند.

دوم، احتمالاً پولس از نقشه یهودیان برای قتل او آگاه بود. لوقا، نویسنده اعمال رسولان، از دوستان پولس بود و از نقشه ترور پولس در جریان انتقال از اورشلیم به قیصریه آگاه بود. بنابراین، منطقی است که انتظار داشته باشیم پولس نیز از این نقشه آگاه بود.

سوم و مهم‌تر از همه، وقتی پولس توسط لیبیاس دستگیر شد، خود خداوند بر او در رویا ظاهر شد و به او اطمینان داد که زنده خواهد ماند تا انجیل را در روم اعلام کند.

همانطور که در اعمال ۲۳: ۱۱ می‌خوانیم:

در همان شب، خداوند کنار پولس ایستاد و گفت: «دل قوی دار! همان‌گونه که در اورشلیم بر من شهادت دادی، در روم نیز باید شهادت دهی» (اعمال ۲۳: ۱۱).

اینکه پولس در زمان دستگیری خود این رویا را دید، دلیلی بود که با خود فکر کند حبس او در نهایت فرصتی به دست او خواهد داد که مسیح را در روم موعظه کند. همانطور که دیدیم، روح القدس پیش‌تر به پولس اطمینان داده

بود که حبس او باعث پیشرفت خدمت انجیل خواهد شد. در این مرحله، پولس متوجه شد که حبس او در را برای رفتن به روم خواهد گشود.

هر کدام از این دلایل می‌توانست انگیزه‌ای کافی برای پولس باشد که دعوی خود را به قیصر ارجاع دهد. اما انگیزه او هرچه که بود، یک چیز روشن است: پولس بالاخره می‌توانست انجیل را در روم موعظه کند، حتی اگر از زندان می‌بود.

اکنون، پیش از آنکه پولس به روم فرستاده شود، موقعیت این را داشت که دعوی خود را در حضور پادشاه جوان، هرود آگریپاس دوم، توضیح دهد. پس از استماع استدلالات پولس، آگریپاس به فستوس گفت که پولس می‌تواند آزاد شود و نیازی به مراجعه به قیصر نیست.

اما خداوند نقشه بسیار متفاوتی برای پولس داشت. به دلایلی که حتی برای پولس هم در آن زمان روشن نبود، خداوند نقشه داشت تا از حبس پولس در روم برای گسترش دامنه انجیل استفاده کند.

بعد از بررسی حبس دو ساله پولس در قیصریه، اکنون آماده‌ایم که به حبس پی‌آمد او در روم نگاه کنیم. با تمرکز بر سفر طولانی او از قیصریه به روم شروع می‌کنیم.

حبس در روم

چون پولس زندانی روم بود می‌بایست تحت محافظت رومیان منتقل می‌شد. بنابراین، او را تحت امر افسری رومی به نام یولیوس و سوار بر کشتی به سوی آسیای صغیر فرستادند. همسفران پولس، لوقا و آریستارخوس، اجازه داشتند که او را همراهی کنند.

کشتی احتمالاً در اواخر سال ۵۹ میلادی از قیصریه حرکت کرد. ابتدا به صیدون رسیدند و پولس اجازه یافت تا با چند تن از دوستانش دیدار کند. از صیدون، با حرکت در امتداد ساحل کیلیکیه و پمفلیه از قبرس گذشتند و در میرا، در ناحیه لیکیه پهلو گرفتند.

در میرا سوار کشتی دیگری شدند که عازم ایتالیا شدند. از اینجا به بعد آنها دریانوردی دشواری را تجربه کردند. آنها تا کنیدوس پیش رفتند، و بعد مجبور شدند با برگشت به سوی جنوب، به طرف جزیره کرت بروند و در نهایت به جایی به نام بندرهای نیک رسیدند.

چون فصل زمستان بود، هوا برای دریانوردی خطرناک بود. خطر دریانوردی باعث شد که پولس به یولیوس توصیه کند تا از سفر به ایتالیا صرف نظر کنند. شاید عجیب به نظر برسد که پولس به دریانوردان باتجربه توصیه‌ای کند، اما مهم است به یاد بیاوریم که پولس نه تنها بینش نبوتی داشت، بلکه همچنین با توجه به دوم قرتیان ۱۱: ۲۵، او پیش از این سه بار از غرق شدن کشتی جان سالم به در برده بود. پولس می‌خواست که انجیل را در روم

موعظه کند. توصیه او برای عدم سفر دریایی نه به دلیل اجتناب از تقدیر او در روم، بلکه این بود که می‌خواست در امنیت به روم برسد.

به هر روی، ناخدا و صاحب کشتی یولیوس را متقاعد کردند که سفرشان موفق خواهد بود و کشتی بار دیگر به راه افتاد. اما اندکی بعد، درگیر طوفان سختی شدند که آنها را به آن طرف کُودا در سوی دیگر دریای مدیترانه راند. طوفان دو هفته ادامه داشت و در این مدت پولس به خدمت مسافران پرداخت، و آنان را دلگرمی بخشید که خدا بر او آشکار کرده است که همگی نجات خواهند یافت. در نهایت، کشتی با صخره‌ای در نزدیکی جزیرهٔ مالتا برخورد کرد و توسط امواج در هم شکست.

با نابودی کشتی، ملوانان، سربازان، زندانیان و همهٔ دیگر سرنشینان کشتی خود را به مالتا رساندند. پولس همراه همسفران و نگهبانانش به مدت سه ماه در مالتا ماندند و طی این مدت ساکنین جزیره به آنان رسیدگی می‌کردند.

در طول اقامت پولس در مالتا، چند اتفاق قابل توجه رخ داد. زمانی پولس توسط یک مار سمی گزیده شد. ساکنین جزیره در ابتدا فکر کردند که این نشانی از قاتل بودن پولس است و انتظار مرگ او را داشتند. اما پولس آسیبی از مارگزیدگی ندید. در نتیجه، ساکنین جزیره فکرشان را عوض کردند و گمان بردند که پولس از خدایان است.

حال، از متون دیگر می‌دانیم که پولس نباید به ساکنین جزیره اجازه داده باشد که به خدانگاری او ادامه داده باشند. به طور مثال، وقتی اهالی لستره او را با هرمس اشتباه گرفتند، پولس اعتراض کرد که او صرفاً یک انسان است و از آن موقعیت برای ارائهٔ انجیل به آنان استفاده کرد. می‌توانیم به قطع فکر کنیم که در مالتا نیز همین کار را کرد.

پولس همچنین چندین معجزهٔ شفا در مالتا انجام داد. خدمت شفای او با شفای پدر پوبلیوس شروع شد. پوبلیوس رئیس جزیرهٔ مالتا بود. وقتی اخبار شفای پدر پوبلیوس توسط پولس منتشر شد، تمام بیماران دیگر در مالتا نیز نزد پولس آمدند و شفا یافتند.

سه ماه بعد، در اوایل سال ۶۰ میلادی، زمستان گذشت و بنابراین پولس و همسفران و نگهبانانش بار دیگر دریانوردی به سمت ایتالیا را آغاز کردند. بعد از ترک مالتا و حرکت به سوی جزیرهٔ سیسیل در شمال، به بندر سیراکوز رسیدند. از سیراکوز، از راه دریا به ریگیون در جنوب سرزمین ایتالیا رسیدند. وقتی ریگیون را ترک کردند، یک باد جنوبی قوی آنها را به سرعت به ساحل پوتیولی رساند و در آنجا ایمانداران از تمام نواحی اطراف برای دیدار پولس آمدند. پس از یک هفته، پولس در نهایت به روم منتقل شد. او در اواخر سال ۶۰ میلادی به روم رسید و تحت بازداشت خانگی قرار گرفت.

پولس به مدت دو سال از ۶۰ تا ۶۲ میلادی در روم تحت بازداشت خانگی زندگی کرد. در طی این مدت از او نگرهبانی می‌شد اما او همچنین اجازه داشت تا مهمان بپذیرد و آزادانه تعلیم دهد. چون رهبران یهود اورشلیم به یهودیان روم درباره موضوع پولس اطلاع نداده بودند، یهودیان روم خود درباره پولس تحقیق کردند. از طریق موعظه او، برخی از آنها به مسیحیت ایمان آوردند. اما دیگران ادعاهای او درباره عیسی و استدلال‌هایش از عهد عتیق را رد کردند.

لوقا اقامت پولس در روم را در اعمال ۲۸: ۳۰-۳۱ خلاصه کرد:

پولس دو سال تمام در خانه اجاره‌ای خود اقامت داشت و هر که را نزدش می‌آمد، می‌پذیرفت. او پادشاهی خدا را اعلام می‌کرد و دلیرانه و بی‌پروا درباره عیسای مسیح خداوند تعلیم می‌داد (اعمال ۲۸: ۳۰-۳۱).

دستگیری پولس در اورشلیم ناعادلانه، دردناک، و حتی همراه با تهدید جانی بود. حبس او در قیصریه یک شکست بزرگ برای عدالت بود. سفر او به روم نیز سختی‌های بسیاری داشت. اما در پایان، امیدهای پولس و کلام خدا محقق شد. پولس به روم رسید و به مدت دو سال انجیل را - علیرغم حبس‌اش - «دلیرانه و بی‌پروا» در پایتخت قدرتمندترین امپراتوری زمان خود موعظه کرد.

تداوم خدمت

اکنون که پیش‌زمینه حبس پولس را بررسی کردیم، در مرحله‌ای هستیم که در تداوم خدمت او حین حبس کنکاشی کنیم. چنان که خواهیم دید، پولس در زمان زندان بیکار نبود. بلکه فعالانه به خدمت خود به عنوان خدمتگزار انجیل عیسای مسیح ادامه داد.

پولس یک رسول بود. عیسی خود شخصا او را خواند و تعلیم داد و پولس را منصوب کرد تا به عنوان سفیر او خدمت کند و مامور ویژه عهد او باشد. و اگرچه شاید امروز برای ما بسیار عجیب باشد، اما وظایفی که پولس برای آنها تعیین شده بود در زمان حبس او متوقف نشدند. بلکه بر عکس، در مشیت خدا، زندان دقیقا همان جایی بود که خدا می‌خواست پولس در این برهه از زندگی‌اش باشد. خدا، خود وقایع را ترتیب داد تا حبس پولس در روم فرصتی برای او فراهم کند که انجیل مسیح را در قلب دنیای غرب گسترش دهد.

ما دو منبع اصلی اطلاعات درباره تداوم خدمت پولس رسول در طول سال‌های حبس در دست داریم. از یک سو، کتاب اعمال رسولان نکات بسیاری درباره خدمت پولس در آن زمان به ما می‌گوید. از سوی دیگر، نامه‌های

مختلف پولس به کلیساها از خدمت او از زندان اطلاعاتی به دست می‌دهند. بیایید با سنجش آنچه کتاب اعمال رسولان از خدمت پولس به ما می‌گوید، کار را آغاز کنیم.

کتاب اعمال رسولان

تجارب حبس پولس برای لوقا، نویسنده کتاب اعمال رسولان، بسیار مهم بود. او نزدیک به نه باب را به وقایع این بخش از زندگی پولس اختصاص داد. از تصمیم پولس برای عزیمت به اورشلیم و روم در اعمال ۱۹: ۲۱ تا پایان کتاب لوقا در اعمال ۲۸: ۳۱، لوقا به ذکر جزئیات حرکت هدفمند پولس به سوی دستگیری‌اش در اورشلیم و حبس پی‌آمد آن پرداخت.

این باب‌ها شامل جزئیات بسیاری هستند، اما دست‌کم سه مضمون اصلی در مواقع بسیاری به چشم می‌خورند: آگاهی پولس از رنج پیش‌رو، آگاهی پولس از هدف خدا برای رنج پیش‌رو، و آگاهی او از طریقی که برکات خدا به واسطه رنج‌های او جاری می‌شد.

نخست، پولس آگاه بود که خدمت او به مسیح سختی و رنج فراوانی در زندگی او به همراه می‌داشت.

آگاهی از رنج

لوقا در اعمال باب‌های ۱۹-۲۸، پولس را کاملاً مطلع از سختی‌های پیش‌رو توصیف کرد. پولس می‌دانست زندانی خواهد شد و پی برده بود که شاید حتی کشته شود.

برای نمونه، به این سخنان ناخجسته او از سخنرانی‌اش خطاب به راهبران کلیسای افسس در اعمال ۲۰: ۲۲-۲۵ گوش دهید:

با الزام روح به اورشلیم می‌روم و نمی‌دانم در آنجا چه برایم پیش خواهد آمد؛ جز آنکه در هر شهر روح‌القدس هشدار می‌دهد که زندان و سختی در انتظار من است... جان را برای خود بی‌ارزش می‌انگارم... هیچ‌یک از شما... دیگر روی مرا نخواهد دید (اعمال ۲۰: ۲۲-۲۵).

و بعدتر به ایمانداران قیصریه در اعمال ۲۱: ۱۳ گفت:

من آماده‌ام به خاطر نام خداوند عیسی نه تنها به زندان روم، بلکه در اورشلیم جان بسپارم (اعمال ۲۱: ۱۳).

پولس کاملاً از سختی‌هایی که در خدمتش به مسیح و انجیل در انتظار او بودند آگاه بود و حتی حاضر بود جانش را بدهد.

آگاهی از هدف

در وهلهٔ دوم، پولس به خوبی از هدف رنج‌های خود آگاه بود. او می‌دانست که اگر خدا چنین معین کرده است که او رنج بکشد، همچنین مقرر کرده تا از این رنج‌ها برای گسترش انجیل استفاده کند. پولس ایمان داشت که خدا از سختی‌های او برای انتشار انجیل مسیحی استفاده خواهد کرد. او می‌دانست که هر فداکاری‌ای که او شاید مجبور به انجام آن شود، ارزشمند خواهد بود چون راه خدا برای گسترش خبر خوش نجات در مسیح است. دوباره گوش کنید که او به راهبران کلیسای افسس در اعمال ۲۰: ۲۴ چه گفت:

جان را برای خود بی‌ارزش می‌انگارم، تنها اگر بتوانم دور خود را به پایان رسانم و خدمتی را که از خداوند عیسی یافته‌ام، به کمال انجام دهم، خدمتی که همانا اعلام بشارت فیض خداست (اعمال ۲۰: ۲۴).

پولس متقاعد شده بود که خدمت او در زندان شامل شهادت به انجیل می‌شد و این بخشی از ماموریت او به عنوان رسول بود که متحمل این سختی‌ها شود. حبس پولس به جای آنکه مانع از خدمت رسولانی او بشود، وسیله‌ای شد که با آن خدمت خود را کامل کرد.

و در حقیقت، همانطور که در بخش دیگری از اعمال می‌خوانیم، این دقیقاً همان چیزی است که اتفاق افتاد. در اعمال ۲۲: ۱-۲۱ می‌خوانیم که وقتی پولس در اورشلیم دستگیر شد، شهادت مسیحی خود را به جمعیتی که در پی قتل او بودند، ارائه کرد.

در اعمال ۲۳: ۱-۱۰، لوقا شرح داد که پولس در حضور سنهدرین، هیئت حاکم یهودی، به انجیل و رستاخیز مسیح شهادت داد.

بعد در اعمال ۲۴: ۱۴-۲۶، می‌آموزیم که پولس انجیل را در محکمهٔ قیصریه هم به طور عمومی در جلسهٔ استماع و هم به طور خصوصی به فلیکس و همسر یهودی‌اش دروسیلا اعلام کرد. همچنین این متن به ما می‌گوید که فلیکس به مدت دو سال مکالمات منظمی با پولس داشته است.

پس از این، در اعمال ۲۵: ۱۸-۲۶: ۲۹، لوقا به ما می‌گوید که پولس انجیل را به فرماندار جدید، فسٹوس، و همچنین آگریپاس، پادشاه یهودی و همسرش برنیکه اعلام کرد.

و در اعمال ۲۸: ۲۳-۳۱ لوقا تشریح کرد که پولس به طور منظم انجیل پادشاهی خدا را به همه آنانی که برای دیدار او در روم می‌آمدند، موعظه کرد.

در اعمال ۲۳: ۱۱، سخنان مسیح به پولس هدف تمام رنج‌های او را خلاصه می‌کند:

دل قوی دار! همان‌گونه که در اورشلیم بر من شهادت دادی، در روم نیز باید شهادت دهی (اعمال ۲۳: ۱۱).

پولس رنج کشید تا خبر خوش مسیح را از اورشلیم تا روم گسترش دهد.

آگاهی از برکات

در وهله سوم، پولس کاملاً از برکات خدا بر خدمتش در این برهه از زمان آگاه بود. گزارش لوقا در اعمال باب‌های ۱۹-۲۸ روشن می‌کند که شهادت پولس بر انجیل با برکات چشمگیر روح خدا همراه بود. لوقا همچنین به ما می‌گوید که خدمت پولس شامل چیزهای دیگری هم بود که به توانایی او در اعلام انجیل و به کارگیری آن در زندگی افراد کمک کردند. برای مثال، او رویاهایی دریافت و تفسیر کرد که زندگی آنانی که در کشتی بودند و در نهایت با صخره برخورد کرد را حفظ کرد. او بیماران را در مالتا شفا داد و به احتیاجات فردی ایماندارانی که به ملاقات او می‌آمدند رسیدگی کرد. علاوه بر اطلاعاتی که در کتاب اعمال رسولان آمده است، می‌توانیم از نامه‌های او در عهد جدید به کلیساهای کولسی، افسس، و فیلیپی و نیز به فیلیمون، مرد اهل کولسی، نکات بسیاری دربارهٔ تداوم خدمت او در زمان زندان بیاموزیم.

نامه به کلیساها

راه‌های زیادی وجود دارد که خدمت پولس را خلاصه کنیم، اما حداقل چهار مسئله به چشم می‌آیند. اگرچه پولس از نظر جسمی در محدودیت بود، اما با موعظه انجیل به صاحب‌منصبان مختلف و کسانی که به ملاقاتش می‌آمدند، دعا برای کلیسا و ایمانداران در نقاط مختلف، تحمل رنج فراوان به خاطر منافع کلیسا، و البته نامه‌نگاری با کلیساها و افراد مختلف، به خدمت خود ادامه داد. نخست، پولس در طی این زمان انجیل را موعظه کرد.

موعظه

همانطور که دیدیم، پولس عمدتاً متحمل زندان شد تا فرصت‌های جدیدی برای اعلام انجیل پیدا کند. و نامه‌های او از زندان، این اندیشه را تقویت می‌کنند. ما نه تنها این را در معرفی معمول خود به عنوان سفیر مسیح در زنجیر می‌بینیم، بلکه در درخواست‌های دعا از کلیساهایی که به آنان نامه می‌نوشت نیز دیده می‌شود. برای نمونه، به درخواست او در افسسیان ۶: ۱۹-۲۰ گوش کنید:

برای من نیز دعا کنید، تا هرگاه دهان به سخن می‌گشایم، کلام به من عطا شود تا راز انجیل را دلیرانه اعلام کنم، که سفیر آنم، هرچند در زنجیر! دعا کنید که آن را با شهامت اعلام کنم، چنانکه شایسته است (افسسیان ۶: ۱۹-۲۰).

پولس می‌دانست که مسئولیت اصلی او - حتی در زندان - اعلام انجیل است. و بنابراین، از افسسیان خواست تا برای او دعا کنند تا قوت آن را داشته باشد که به مسئولیت رسولانی خود عمل کند. او در کولسیان ۴: ۳-۴ به شکلی مشابه نوشت:

برای ما نیز دعا کنید، تا خدا دری به روی پیام ما بگشاید تا بتوانیم راز مسیح را بیان کنیم، رازی که به خاطر آن به زنجیر کشیده شده‌ام. دعا کنید که بتوانم آن را به روشنی بیان کنم، چنانکه شایسته است (کولسیان ۴: ۳-۴).

پولس درخواست دعا داشت که فرصت موعظه انجیل را پیدا کند و تا از موقعیت‌های پیش‌رو به خوبی استفاده کند.

دعا

دوم، پولس دائماً برای کلیساها در دعا بود. با توجه به نامه‌های پولس، خدمت او از اعلام انجیل به بی‌ایمانان فراتر رفت. خدمت او شامل دعای دائمی برای کلیساها و ایمانداران مختلف در سراسر دنیا می‌شد. می‌توان گفت که حبس پولس، در حقیقت فرصتی که می‌توانست برای دعا صرف کند را بیشتر کرد. طی سفرهای بشارتی‌اش او عموماً مشغول سفر و حتی کار برای امرار معاش بود. اما در زندان او کاری برای انجام و یا جایی برای سفر نداشت و چیزی نبود که تمرکز او را از بین ببرد. این، به او فرصت بسیاری برای دعا می‌داد. از شهادتی که نامه‌های او می‌دهند پیداست که پولس خود را موظف و مفتخر می‌دانست که زمان زیادی در دعا برای دیگران صرف کند.

به شهادت او درباره دعا برای دیگر ایمانداران در افسسیان ۱: ۱۶-۱۸ گوش کنید:

از شکرگزاری برای وجود شما باز نایستاده‌ام، بلکه پیوسته شما را در دعا‌های خود یاد می‌کنم و از خدای خداوند ما عیسیای مسیح... می‌خواهم که روح حکمت و مکاشفه را در شناخت خود به شما عطا فرماید، تا چشمان دل‌تان روشن شده، امیدی را که خدا شما را بدان فرا خوانده است، بشناسید و به میراث غنی و پر جلال او در مقدسین پی‌ببرید (افسیان ۱: ۱۶-۱۸).

پولس به طور منظم و دائم برای افسسیان دعا می‌کرد. او ایمان داشت که دعا قدرتمند است و امیدوار بود که خدا با برکت به افسسیان، دعای او را بشنود. تلاش‌های پولس در دعا، خدمتی پر جنب و جوش و ارزشمند به آنانی که نزدیک‌شان نبود را شکل داد.

به طریق مشابه، او در فیلیپیان ۱: ۳-۹ توضیح داد که به طور منظم برای کلیسای فیلیپی دعا می‌کند:

هر گاه شما را به یاد می‌آورم، خدای خود را شکر می‌گویم و همواره در همه دعا‌هایم برای همگی شما شادمانه دعا می‌کنم... دعایم این است که محبت شما هر چه بیشتر فزونی یابد و با شناخت و بصیرت کامل همراه باشد (فیلیپیان ۱: ۳-۹).

و در کولسیان ۱: ۹ تعهد او به کلیسای کولسی را می‌خوانیم:

از دعا کردن برای شما باز نایستاده‌ایم، بلکه پیوسته از خدا می‌خواهیم که شما از شناخت اراده او در هر حکمت و فهم روحانی پر شوید (کولسیان ۱: ۹).

او همچنین برای افرادی مانند فیلیمون، آپفیا، و آرخیپوس در کلیسای کولسیان دعا کرد. برای مثال، او در فیلیمون ۶ نوشت:

دعایم این است که مشارکت ایمانت بسی کارگر افتاده، تو را به شناخت هر قابلیت نیکویی رهنمون شود که در جهت نیل به قامت مسیح در ماست (فیلیمون ۶).

در تمام این متون می‌بینیم که پولس خود را به دعا برای ایمانداران متعهد کرده بود و از خدا برای آنان برکات فراوان می‌طلبید.

رنج

در وهلهٔ سوم، خدمت پولس در زندان علاوه بر موعظه و دعا شامل رنج کشیدن برای دیگران نیز می‌شد. رنج به خودی خود یک سختی است و نه خدمت. اما وقتی هدف و محصول رنج، پیشرفت ملکوت خدا از طریق ترویج انجیل باشد، می‌توان رنج را به درستی نوعی از خدمت مسیحی دانست.

مسیحیان همیشه رنج کشیده‌اند و همیشه نیز تا زمان بازگشت مسیح رنج خواهند کشید. کتاب مقدس در این باره به ما اطمینان می‌دهد. اما این به آن معنا نیست که همهٔ مسیحیان به طور مساوی و یا به اندازهٔ پولس رنج خواهند کشید. اما خدا چنین تعیین کرد که تا زمان بازگشت مسیح و اتمام کارش، تا زمانی که او پادشاهی خود را بر زمین به کمال برساند، دشمنان او همچنان بر علیه او خواهند جنگید. و این یعنی رنج قوم عیسی ادامه خواهد داشت. اما زندگی پولس چیزی را ثابت می‌کند و آن اینکه، رنج‌های ما بیهوده نیستند. بر عکس، رنج‌های ما کلیسا را برکت می‌دهند. رنج‌های ما شهادتی بر انجیل هستند؛ رنج‌های ما جلالی را که کلیسا به میراث خواهد یافت، افزون می‌کنند.

رنج به خاطر انجیل، یک خدمت قوی و هدفمند است. برای مثال، یک شهادت انکارناپذیر بر حقیقت انجیل است. به همین دلیل است که ما معمولاً مسیحیانی که به خاطر ایمان‌شان کشته می‌شوند را «شهید» یا «شاهد» می‌خوانیم. ما پیش‌تر تعدادی از طرقی را دیدیم که رنج پولس فرصت موعظهٔ انجیل را برای او فراهم کرد. اما همچنین باعث تشویق دیگران به اعلام انجیل نیز شد.

به سخنان پولس دربارهٔ این تاثیر در فیلیپیان ۱: ۱۴ گوش کنید:

زنجیرهایم سبب شد که بیشتر برادران، در خداوند قوی‌دل شوند تا با شهامت تمام، کلام خدا را بی‌واهمه بیان کنند (فیلیپیان ۱: ۱۴).

علاوه بر این، صحیح است که رنج را به عنوان یک خدمت ببینیم چون منافی را برای دیگران تضمین می‌کند. عیسی مسیح نیز به جای گناهکاران رنج برد و مرد تا ما را نجات دهد. و کتاب مقدس به ما تعلیم می‌دهد تا از الگوی مسیح، به‌خصوص در تحمل رنج به خاطر دیگران، پیروی کنیم. ما ایمانداران باید مایل به تحمل سختی‌ها و حتی مرگ برای منفعت دیگران باشیم و برای سختی‌هایی هم که دیگران به این خاطر متحمل می‌شوند، شکرگزار باشیم.

همانطور که یوحنا رسول در اول یوحنا ۳: ۱۶ می‌گوید:

محبت را از آنجا شناخته‌ایم که او جان خود را در راه ما نهاد، و ما نیز باید جان خود را در راه برادران بنهیم (اول یوحنا ۳: ۱۶).

پولس به این موضوع ایمان داشت. و همانطور که دیدیم، اگر منجر به ترویج انجیل بود، تمایل داشت به زندان برود و حتی بمیرد.

در افسسیان ۳: ۱۳ دربارهٔ این تمایل به تحمل رنج به خاطر دیگران می‌خوانیم:

تمنا دارم به سبب رنج‌هایی که به خاطر شما بر خود هموار می‌کنم، دلسرد نشوید، چرا که آنها مایهٔ افتخار شماست (افسسیان ۳: ۱۳).

در اینجا منظور پولس این بود که حبس‌اش به او اجازه داد تا انجیل را در اماکن جدید و بین افراد جدید ترویج کند، که در نتیجه افراد بیشتری را به سوی ایمان به مسیح می‌آورد. وقتی انجیل منتشر می‌شود و کلیسا رشد می‌کند، به جلالی که همهٔ ایمانداران به میراث خواهند یافت می‌افزاید.

در وهلهٔ سوم، نامه‌های پولس نشان می‌دهند که رنج‌های او، ادامهٔ رنج‌های خودِ مسیح بود. در کولسیان ۱: ۲۴، پولس بزرگترین ادعایش در مورد رنج‌های خود را بیان می‌کند:

اکنون از رنج‌هایی که به خاطر شما کشیدم شادانم و هر کاستی رنج‌های مسیح را در بدن خود جبران می‌کنم، به خاطر بدن او که کلیساست (کولسیان ۱: ۲۴).

در باب اول کولسیان، پولس بر ادعای کفایت مطلق مسیح تاکید کرد. بنابراین، وقتی گفت که رنج‌های مسیح «کاستی» داشتند، منظور او این نبود که مرگ مسیح برای نجات ما کافی نبود، و یا اینکه ایمانداران استحقاق خود را به مرگ مسیح اضافه می‌کنند. بلکه منظور پولس این بود که کار عیسی هنوز تمام نشده است. وقتی عیسی مُرد و بعد به آسمان صعود کرد، ضربهٔ سنگینی به شریک زد و به طور موثر در نبرد علیه دشمنان شیطانی خود پیروز شد. اما پولس می‌دانست که نیروهای شیطانی به جدال خود علیه مسیح و پادشاهی او ادامه می‌دهند. عیسی تا زمان بازگشت خود در جلال، دشمنانش را به طور کامل از میان نخواهد برد.

تا آن زمان کلیسا می‌بایست متحمل رنجی شود که خدا برای ما در نظر گرفت. و از آنجا که مسیح ما را بسیار دوست دارد و چون با همهٔ ایمانداران متحد است، وقتی ما رنج می‌کشیم او نیز رنج می‌کشد. به معنای واقع، رنج کلیسا رنج مسیح است.

این نکته‌ای است که مسیح، خود در زمان تبدیل پولس در راه دمشق دقیقاً به آن اشاره کرد. پولس که در آن زمان سوئس نام داشت، فعالانه در پی مسیحیان بود تا آنان را به زندان بیندازد و به دنبال مرگ آنها بود. اما زمانی که او در مسیر دمشق بود تا مسیحیان آنجا را دستگیر کند، عیسی در راه با او ملاقات کرد، او را به زمین زد و حقیقت را بر او مکشوف کرد.

بخشی از گفتگوی میان عیسی و پولس در اعمال ۹: ۵ ثبت شده است:

وی [پولس] پاسخ داد: «خداوندا، تو کیستی؟»

پاسخ آمد: «من آن عیسی هستم که تو بدو آزار می‌رسانی» (اعمال ۹: ۵).

عیسی برای پولس روشن کرد که آزار ایمانداران، آزار خود عیسااست، و به همین دلیل وقتی یک ایماندار رنج می‌کشد، عیسی نیز رنج می‌کشد.

به طور خلاصه، مسیح باید تا زمان بازگشت خود رنج بکشد، و او از طریق رنج بدنش، یعنی کلیسا، متحمل رنج می‌شود. اما وقتی رنج او تمام شود، در نهایت و به طور کامل دشمنان خود را شکست می‌دهد و کلیسایش را جلال می‌بخشد. پولس افتخار داشت که به مسیح در تحقیق آن رنج مقرر کمک کند.

نامه‌های پولس در کنار اشاره به موعظه، دعا، و رنج او به عنوان یک رسول، همچنین نشان می‌دهند که او فعالانه به خدمت نامه‌نگاری در زمان حبس مشغول بود.

نامه‌نگاری

خدمت نامه‌نگاری پولس در طول سال‌های زندان با نامه‌های عهد جدید او به کلیساهای کولسی، افسس، و فیلیپی، و نیز به فیلیمون، مرد اهل کولسی نشان داده شده است. پولس از طریق این نامه‌ها توانست به افراد و کلیساها خدمت شبانی مرتبط انجام دهد. و از آنجایی که این نامه‌ها برای ما در عهد جدید حفظ شده‌اند، نتایج خدمت پولس در طول دو هزار سال گذشته در سراسر جهان چند برابر شده است.

نامه‌نگاری‌های پولس یک خدمت غنی به کلیساها و افرادی را آشکار می‌کنند که او با آنها روابط مستمری داشت. او چیزهای زیادی درباره‌ی شرایط و احوال شخصی آنان می‌دانست. و در نتیجه، می‌توانست به موضوعات شخصی و الاهیاتی بسیاری که مورد توجه مخاطبینش بود، رسیدگی کند. او حتی با ذکر نام بعضی افراد، به آنها دستوراتی داد. علیرغم ناتوانی او در سفر، خدمت پولس کاملاً نسبت به شرایط افراد و کلیساهای مخاطب او آگاه و منطبق بود.

برای نمونه، توجه کنید که در نامه به فیلیپیان، پولس با نصیحت دو زن به نام‌های سینتیخی و افودیبه به مصالحه با یکدیگر، درگیر خدمت شبانی شد. اینها زنانی بودند که پولس آنان را می‌شناخت، در کنار او زحمت کشیده بودند، اما اکنون دچار اختلافاتی با هم شده بودند. نگرانی پولس برای آنان شخصی و از روی محبت، و راه‌حل او برای آنها فوق‌العاده مهربانانه بود.

این سخنان به آنها را در فیلیپیان ۴: ۲ می‌خوانیم:

از افودیبه استدعا دارم و از سینتیخی تمنا می‌کنم که در خداوند یک‌رأی باشند (فیلیپیان ۴: ۲).

به طریق بسیار مشابهی، پولس در کتاب فلیمون نیز تقاضای مصالحه بین ایمانداران را داشت. در آنجا او برای برده‌ای به نام اونیسیموس شفاعت می‌کرد که از ارباب اهل کولسی خود به نام فلیمون فرار کرده بود. در حقیقت، تمام کتاب به درخواست از فلیمون برای بخشندگی نسبت به اونیسیموس اختصاص یافته است. از قرار معلوم، اونیسیموس بعد از فرار از ارباب خود، با پولس، دوست فلیمون مواجه شد و تحت خدمت او مسیحی شد. علاوه بر این، اونیسیموس در کنار پولس ماند و در زندان به او خدمت کرد. بنابراین، خدمت پولس به فلیمون و اونیسیموس عمیقاً شخصی بود، و او به عنوان شبان و دوست آنان، رابطه‌شان را مصالحه داد. پولس همچنین نامه‌های خود را به سوی مشکلات الاهیاتی‌ای که کلیسا به عنوان یک واحد درگیر آن بود سوق داد، و آنان را با اقتدار رسولانی و نگاه شبانی تعلیم داد. خدمت تعلیم او به عنوان نماینده مقتدر مسیح در طول دوران حبس متزلزل نشد. بلکه پولس به ارائه مکاشفات لغزش‌ناپذیر از حقیقت در این دوران ادامه داد و این حقیقت را از طریق نامه‌های خود به کلیسا به کار بست. همانطور که دیدیم، هم کتاب اعمال رسولان و هم نامه‌های پولس در عهد جدید نشان می‌دهند که او در طول دوران حبس، فعالانه به خدمت مشغول بود. او می‌دانست که خدا زندان را به عنوان موقعیتی برای انتشار انجیل و ارائه نمونه‌ای برای مقدسین به او بخشیده است. و با الهام از این دانایی، او خدمتی قدرتمند از وعظ، دعا، رنج، و نامه‌نگاری انجام داد که از طریق آن، وفادارانه به تمام وظایف خود به عنوان رسول عیسای مسیح عمل کرد.

پیوستگی الاهیاتی

حال که پیش‌زمینه حبس پولس را معرفی کردیم و تداوم خدمت او در زمان زندان را توضیح دادیم، آماده‌ایم تا به پیوستگی الاهیاتی نامه‌های او از زندان بپردازیم. در این بخش به کنکاشی در برخی از مضامین آموزه‌ای

مشترک در رسالات زندان خواهیم پرداخت و توضیح خواهیم داد که چطور آنها در نظام الاهیاتی گسترده‌تر پولس جای می‌گیرند.

رسالات زندان پولس آموزه‌های مهم بنیادینی را در بر می‌گیرند. به طور اساسی، همه آنها بر انجیل یکسانی صحنه می‌گذارند. اما فراتر از آن، همه آنها طریقی مشترک برای ارائه آن انجیل را به اشتراک می‌گذارند و به تاکید بر جوانب یکسان همان انجیل تمایل دارند. منظور این نیست که همه آنها شبیه هم هستند. اما تصویر بزرگتری وجود دارد که آنها را به هم پیوسته می‌کند و بنیان مشترکی هست که همه آنها بر آن استوارند. و آن بنیان مشترک این حقیقت است که عیسای مسیح بر تمام خلقت حاکم و غالب است.

بحث ما درباره پیوستگی الاهیاتی رسالات زندان بر سه آموزه اصلی تاکید خواهد کرد: نخست، به این آموزه که عیسای مسیح پادشاه خلقت است نگاه خواهیم کرد. دوم، تمرکز دقیق‌تری بر جنبه مشخصی از پادشاهی عیسی بر خلقت خواهیم داشت که آن را اتحاد ایمانداران با مسیح در پادشاهی او می‌نامیم. و سوم، بر الزامات زندگی اخلاقی‌ای متمرکز خواهیم شد که دو آموزه نخست به آن اشاره می‌کنند. حال با این آموزه آغاز می‌کنیم که عیسای مسیح پادشاه خلقت است.

پادشاه خلقت

تاکید پولس روی پادشاهی مسیح بر خلقت احتمالاً در رسالات زندان او بیش از هر نوشته دیگری بیان شده است. ما بر سه جنبه پادشاهی مسیح متمرکز خواهیم شد که معمولاً در رسالات زندان پولس به چشم می‌خورند: حاکمیت او، که شامل قدرت و اقتدار او می‌شود؛ حرمت او، شامل جلال او و شایستگی‌اش برای تکریم، پیروی، و پرستیده شدن؛ و عزم او برای بازگشت دوباره و تحقق کامل پادشاهی‌اش بر زمین. بیایید با نگاه به حاکمیت سلطنتی مسیح کار را شروع کنیم.

حاکمیت

وقتی می‌گوییم مسیح حاکم است، منظورمان این است که او توانایی و قدرت دارد تا اراده خود را به انجام برساند، و از اقتدار و حق قانونی برای انجام آن برخوردار است. در دنیای باستان، پادشاهان و امپراتوران به نیروهای مسلح کشورشان امر می‌کردند و به آنان قدرت می‌دادند تا خواسته‌های آنها را انجام دهند. همچنین، قوانین کشورهای آنان، حق‌شان برای حکمرانی و اداره امور را تایید می‌کرد که یعنی آنان همچنین از اقتدار برای انجام خواسته‌های‌شان نیز برخوردار بودند. بسیاری از دولت‌های امروزی نیز قدرت و اقتدار مشابهی دارند.

به عقیده پولس، وقتی عیسی به آسمان صعود کرد، خدای پدر چنین نوعی از حاکمیت بر خلقت به او اعطا کرد. عیسی اکنون آنچنان قدرتمند و مقتدر است که حاکمیت او شامل تمام پادشاهان و حکمرانان می‌شود؛ چه آنها بر زمین باشند، چه در عوالم روحانی.

در افسسیان ۱: ۲۰-۲۲، پولس حاکمیتی که پدر به مسیح بخشید را تشریح کرد:

[پدر] او را از مردگان برخیزانید و در جای‌های آسمانی، به دست راست خود نشانید، بس فراتر از هر ریاست و قدرت و نیرو و حاکمیت، و هر نامی که چه در این عصر و چه در عصر آینده ممکن است از آن کسی شود. و همه چیز را زیر پاهای او نهاد، و مقرر فرمود که او برای کلیسا سر همه چیز باشد (افسسیان ۱: ۲۰-۲۲).

هم‌اکنون، عیسای مسیح با قدرت مطلق بر تمام خلقت حکمرانی می‌کند. و حاکمیت او تنها محدود به عوالم روحانی نیست؛ او بر زمین نیز حاکم است.

همانطور که عیسی خود نیز در متی ۲۸: ۱۸ اعلام کرد:

تمامی قدرت در آسمان و بر زمین به من سپرده شده است (متی ۲۸: ۱۸).

عیسای مسیح، خداوند و نجات‌دهنده ما، از دورترین کهکشان تا کوچکترین نقطه روی زمین، بر همه چیز حاکم است. او بر دولت‌ها و ملت‌های زمینی، و بر هر فرشته و شیطانی حاکم است. واضح است که همه چیز در خلقت آنطور که باید از او تبعیت نمی‌کند. اما با این حال، او حق دارد که آن را به تبعیت فرا بخواند، و قدرت دارد تا آن را تابع کند. و او قدرت و حقی ابدی دارد تا آنانی که تایید می‌کند را برکت بدهد و دشمنانش را کاملاً نابود کند. پولس در کنار تاکید بر حاکمیت مسیح، توجهات را به حرمت مسیح جلب می‌کند که شامل جلال و ارزش او است و واکنش تکریم، پیروی، و پرستش او را می‌طلبد.

حرمت

مسیح حرمت دارد چون او کامل، مقدس، و عادل است. او حرمت دارد چون از بالاترین منصب اقتدار برخوردار است و چون آن اقتدار را منصفانه و عادلانه به کار می‌بندد. او همچنین حرمت دارد چون خود، با ارزش‌ترین وجود در تمام خلقت است؛ یگانه‌ای که خدا بالاتر از هر کس دیگری برای او ارزش قائل است. او حرمت دارد چون او خالق و نگه‌دارنده هستی است. ما می‌توانیم به راحتی فهرستی از صدها دلیل تهیه کنیم که عیسی شایسته حرمت

است. اما شاید بزرگترین دلیلی که عیسی سزاوار احترام و پرستش است، الوهیت اوست؛ عیسی خداست و خدا شایسته بالاترین احترام قابل تصور است.

یکی از دلایلی که پولس تا حد زیادی بر احترام عیسی تاکید کرد این بود که بعضی افراد در کلیسا متوجه نبودند که عیسی چقدر خاص است. از قرار معلوم، معلمین کذب پرستش فرشتگان و ارواح را به کلیسا آورده بودند و اینطور می گفتند که عیسی نیز تنها یکی از این موجودات است. یکی از راههایی که پولس این تعالیم غلط را تکذیب کرد، با تاکید بر عظمت منحصر به فرد و بی همتای مسیح بود.

گوش کنید که او چطور در کولسیان ۱: ۱۶-۱۷ مسیح را با دیگر موجودات روحانی مقایسه می کند:

زیرا همه چیز به واسطه او آفریده شد: آنچه در آسمان و آنچه بر زمین است، دیدنی‌ها و نادیدنی‌ها، تخت‌ها و فرمانروایی‌ها، ریاست‌ها و قدرت‌ها، همه به واسطه او و برای او آفریده شدند. او پیش از همه چیز وجود داشته، و همه چیز در او قوام دارد (کولسیان ۱: ۱۶-۱۷).

عیسی منحصر به فرد است چون او خالق تمام موجودات است - حتی فرشتگان و روح‌هایی که معلمین کذب ستایش می کردند. عیسی صرفاً بزرگترین حکمران جهان نیست. او کسی است که تمام مناصب پایین‌تری که حکمرانان دیگر هم در عالم روحانی و هم بر زمین از آن برخوردارند را مقرر کرد. و او آن یگانه‌ای است که تمام حکمرانان دیگر را خلق کرد که هم انسان‌هایی که بر زمین حکمرانی می کنند و هم موجوداتی مثل فرشتگان و شیاطین که در عالم روحانی دارای اقتدار هستند را شامل می شود. علاوه بر صحبت درباره پادشاهی مسیح تحت عنوان حاکمیت مسیح و احترام، پولس بر عزم مسیح برای بازگشت به زمین، برای تحقق کامل پادشاهی اش تاکید کرد.

عزم

برای درک دیدگاه پولس درباره بازگشت مسیح، باید به یاد بیاوریم که تعلیم او درباره زمان‌های آخر (یا آخرت‌شناسی او) برخاسته از دیدگاه سنتی یهودی درباره زمان‌های آخر بود. در دیدگاه سنتی الاهیات یهودی زمان پولس، تعلیم داده می شد که کتاب مقدس از دو عصر انسانی اصلی صحبت می کند. قبل از اینکه مسیح بیاید، دنیا در عصر حاضر قرار داشت که با گناه، مرگ، و فساد شناخته می شد.

از پس این عصر حاضر، عصر آینده می آمد که کتاب مقدس با عنوان پادشاهی خدا یا ملکوت آسمان به آن اشاره می کند. این جایگزینی به یکباره با آمدن ماشیح یا مسیح اتفاق می افتاد.

اما به اعتقاد پولس و دیگر نویسندگان عهد جدید، عیسی آشکار کرد که این ادراک سنتی یهودی کاملاً دقیق نبود. عصر آینده جایگزین عصر حاضر می‌شد، اما نه به یکباره. در عوض، این دو عصر برای مدت زمانی هم‌پوشانی خواهند کرد که از خدمت زمینی مسیح شروع شد که از آن با عنوان تاسیس پادشاهی خدا یاد خواهیم کرد و تا زمان بازگشت مسیح یا بازگشت ثانوی ادامه پیدا خواهد کرد که به آن با عنوان تکمیل پادشاهی خدا اشاره خواهیم داشت. مابین تاسیس و تکمیل، دوره‌ای است که ما آن را تداوم پادشاهی خدا خواهیم نامید. این دوره میانی زمانی است که کلیسا در ایام پولس به وجود آمد و تا به امروز ادامه دارد.

این مفهوم مهمی برای پولس بود که برای مخاطبانش تشریح کند، چون بسیاری از مشکلات آنها را توضیح می‌داد. عصر حاضر گناه، مرگ، و فساد منسوخ نشده بود و به همین خاطر ایمانداران هنوز رنج می‌کشیدند. با این وجود، عیسی روزی بر می‌گشت تا برکات نهایی را به ایمانداران ببخشد. همزمان، مسیحیان می‌بایست اعتماد کنند که مسیح حقیقتاً بر خواهد گشت. و ما باید این امید عظیم را داشته باشیم که این اتفاق خواهد افتاد چون عیسی مصمم است تا آنچه را آغاز کرده، تمام کند.

هم‌اکنون، عیسی به عنوان پادشاه از آسمان حکومت می‌کند. اما از آن خشنود نیست. او می‌خواهد و قصد دارد تا بر وجه به وجه خلقت همانقدر کامل و پر جلال حکومت کند که هم‌اکنون در آسمان حکومت می‌کند. او تا زمانی که نهایتاً و کاملاً دشمنان خود را نابود و مجازات نکند و تمام ایمانداران وفادار خود را به غایت برکت ندهد، خشنود نخواهد شد. او قصد دارد تا این را با گسترش پادشاهی خود به تمام زمین انجام دهد.

چون پولس قصد عیسی برای حکمرانی بر تمام خلقت را می‌دانست، با اطمینان ادعا کرد که مسیح عزم آن داشت که پادشاهی خود را به کمال برساند. به همین دلیل بود که او معمولاً از میراث آینده ایمانداران نوشت و اینکه امید عظیم خود را در پاداشی گذاشت که وقتی مسیح بر می‌گشت، از آن او می‌شد.

برای مثال، به سخنان او در افسسیان ۱: ۱۳-۱۴ توجه کنید:

شما نیز در او جای گرفتید، آنگاه که پیام حقیقت، یعنی بشارت نجات خود را شنیدید؛ و در او نیز چون ایمان آوردید، با روح القدس موعود ماهر شدید، که بیعانه میراث ماست برای تضمین رهایی آنان که از آن خدایند، تا جلال او ستوده شود (افسسیان ۱: ۱۳-۱۴).

پولس تاکید کرد که میراث آینده ما تضمین شده است – خدا وعده داده است و فکر خود را عوض نخواهد کرد. در نتیجه، عیسی باید برگردد تا میراث ما را در پادشاهی به کمال رسیده، به دستمان برساند.

و در فیلیپیان ۳: ۲۰-۲۱، پولس درباره بازگشت مسیح اینطور نوشت:

ما تبعه آسمانیم و با اشتیاق تمام انتظار می‌کشیم که نجات‌دهنده، یعنی خداوندمان عیسی مسیح، از آنجا ظهور کند... او بدن‌های حقیر ما را تبدیل خواهد کرد تا به شکل بدن پر جلال او درآید (فیلیپیان ۳: ۲۰-۲۱).

وقتی مسیح بر می‌گردد تا پادشاهی خود بر زمین را به کمال برساند، میراث ما شامل بدن‌های جدید و جلال یافته نیز خواهد شد. پولس می‌توانست از این میراث با اطمینان سخن بگوید چون او می‌دانست که عیسی وعده داد تا برگردد و اینکه عیسی مصمم بود تا وعده خود را تحقق بخشد.

پولس در سراسر رسالات زندان‌اش بر حاکمیت سلطنتی، حرمت، و عزم مسیح به عنوان سنگ زاویه تعالیم خود تکیه کرد. این مضامین مکررا در این نامه‌ها به چشم می‌خورند و اساس بسیاری از تعالیم پولس به کولسیان، افسسیان، و فیلیپیان هستند.

حال که به این آموزه نگاه کردیم که عیسی پادشاه خلقت است، باید توجه‌مان را به دومین نکته تعالیم مشترک رسالات زندان معطوف کنیم که آن را اتحاد ایمانداران با مسیح در پادشاهی او می‌نامیم – اتحاد ما با عیسی در او که منتج به تقسیم برکات او با ما می‌شود.

اتحاد با مسیح

به اعتقاد پولس، وقتی ما به عیسی ایمان داریم، با او به طریقی روحانی و اسرارآمیز متحد می‌شویم. و چون ما با عیسی متحد هستیم، آنچنان به حساب می‌آییم که گویی ما خود عیسی هستیم. برای مثال، عیسی در حضور خدا بی‌ملامت است و چون ما با او متحد هستیم، ما نیز در حضور خدا بی‌ملامت به حساب می‌آییم و تمام گناهان‌مان بخشیده شده است.

پولس در رسالات زندان خود مکررا با تشویق خوانندگان خود به اینکه در پادشاهی مسیح سهیم هستند، به این مفهوم رجوع می‌کند. معمولا او اشاره کرد که چون ایمانداران در پادشاهی مسیح سهیم هستند، در طول تداوم حاضر پادشاهی مسیح برکات را دریافت خواهند کرد و حتی در انتظار برکات عظیم‌تری در کمال پادشاهی خواهند بود.

برای نمونه، پولس در کولسیان ۳: ۱-۴ نوشت:

چون با مسیح برخیزانیده شده‌اید، آنچه را که در بالاست بجوید، آنجا که مسیح به دست راست خدا نشسته است... زیرا مُردید و زندگی شما اکنون با مسیح در خدا پنهان است. چون مسیح که زندگی شماست، ظهور کند، آنگاه شما نیز همراه او با جلال ظاهر خواهید شد (کولسیان ۳: ۱-۴).

از طریق اتحاد ما با مسیح، ما در مرگ مسیح نیز متحد هستیم و بنابراین با او مُردیم. و ما با مسیح در رستاخیز و حیات او متحد هستیم و بنابراین با او نیز برخاستیم. ما همچنین در صعود و پادشاهی مسیح نیز متحد هستیم و بنابراین وقتی او در جلال برگردد، با او حکمرانی خواهیم کرد.
همانطور که پولس در افسسیان ۲: ۶-۷ نوشت:

[خدا ما را] با مسیح برخیزانید و در جای‌های آسمانی با مسیح عیسی نشانید، تا در عصر آینده، فیض غنی و بی‌مانند خود را در مسیح عیسی، به واسطهٔ مهربانی خود نسبت به ما نشان دهد (افسسیان ۲: ۶-۷).

به اعتقاد پولس، حتی هم‌اکنون ما با مسیح در جای‌های آسمانی نشسته‌ایم و با او در پادشاهی حاضرش بر تمام خلقت متحد هستیم. در نتیجه، ما در احترام و برکات او به طریقی روحانی هم‌اینک سهیم هستیم حتی اگر وضعیت زمینی ما منعکس‌کنندهٔ آن نباشد. و وقتی عیسی برگردد، برکات روحانی ما افزوده خواهند شد، و ما برکات زمینی نیز دریافت خواهیم کرد.

اما پولس همچنین به اتحاد ما با مسیح در پادشاهی او اشاره کرد تا از اموری مانند رنج سخن بگوید که کمتر خوشایند هستند. او از اتحاد ما با مسیح سخن گفت تا ایمانداران را تشویق کند که آنها به تنهایی رنج نکشیدند و رنج آنان بیهوده نبود. ما پیشتر دیدیم که این در زندگی پولس حقیقت داشت. اما پولس همچنین نوشت که این موضوع در زندگی خوانندگان او نیز حقیقت دارد.
به سخنان او در کولسیان ۱: ۲۴ گوش کنید:

اکنون از رنج‌هایی که به‌خاطر شما کشیدم شادمانم و هر کاستی رنج‌های مسیح را در بدن خود جبران می‌کنم، به‌خاطر بدن او که کلیساست (کولسیان ۱: ۲۴).

زندگی مسیحی می‌تواند دشوار باشد، و می‌تواند شامل رنج‌های زیادی باشد.

اگرچه پادشاه ما در آسمان حکمرانی می‌کند، هنوز تمام دشمنان خود را نابود نکرده است، و آن دشمنان معمولاً نیروهای خود را علیه ما به کار می‌گیرند. اما پولس در این حقیقت تسلی یافت که وقتی ما برای انجیل رنج می‌کشیم، اتحاد ما با مسیح اطمینان می‌بخشد که مسیح نیز رنج می‌کشد و با ما همدردی می‌کند. پولس همچنین در آگاهی از این تسلی یافت که از طریق اتحاد ما با مسیح پادشاه، رنج‌های ما به دیگران در پادشاهی مسیح - یعنی کلیسا - سود می‌رساند. در نهایت، او تعلیم داد که رنج‌های ما، رنج‌های مقرر مسیح را کامل می‌کنند و زمینه‌ساز بازگشت پیروزمندانهٔ پادشاه ما می‌شوند.

به دلایلی اینچنینی، رسالات زندان پولس عموماً از مفهوم اتحاد ما با مسیح استفاده می‌کنند. برای پولس، اتحاد ما با پادشاه خلقت منبع اعتماد فراوان به نجات‌مان، دلگرمی فراوان در دشواری‌ها، و امید فراوان به آینده بود. پس از بررسی استفاده پولس از این اندیشه که عیسی‌ای مسیح پادشاه خلقت است، و همچنین اتحاد ایمانداران با مسیح در پادشاهی او، حال باید به آخرین نکته درباره پیوستگی الاهیاتی رسالات زندان توجه کنیم؛ یعنی الزامات زندگی اخلاقی‌ای که همراه پادشاهی مسیح و اتحاد ما با او است.

زندگی اخلاقی

آنان که با نوشتجات پولس آشنایی دارند، می‌دانند که او برای تعلیم درباره زندگی اخلاقی مسیحی به اندازه پرداخت به مسایل آموزه‌ای وقت صرف کرد. در حقیقت، تقریباً هر بار که او یک آموزه را مطرح کرد، به تشریح این نیز پرداخت که ایمانداران چگونه باید آن آموزه را در زندگی خود به کار بگیرند. این کاربرد تنها محدود به تفکر صحیح و آموزه مناسب نبود. بلکه همچنین به احساسات و رفتار ایمانداران نیز بسط پیدا می‌کرد. پولس حتی تا آنجا پیش رفت که گفت تا وقتی که یک آموزه به طوری که باعث تغییر احساسات و رفتار ما در زندگی بشود به کار گرفته نشود، ارزشی برای ما نخواهد شد.

به سخنان پولس درباره این موضوع در اول قرنتیان ۱۳: ۲ گوش کنید:

اگر قدرت نبوت داشته باشم و بتوانم جمله‌آسرار و معارف را درک کنم، و اگر چنان ایمانی داشته باشم که بتوانم کوه‌ها را جابه‌جا کنم، اما محبت نداشته باشم، هیچم (اول قرنتیان ۱۳: ۲).

اگر ما تمام اسرار را درک کنیم و از جمله دانش‌ها برخوردار باشیم، آنگاه درکی عالی از مکاشفه خدا در تمام امور داریم. به عبارت دیگر، تعلیمی عالی داریم. اما برخورداری از تعلیم خوب، حتی تعلیم عالی، کافی نیست. اگر آن تعلیم زندگی ما را عوض نکند – اگر با محبت همراه نباشد، و اگر منتج به برخورد اخلاقی با دیگران و اطاعت حاکی از احترام به مسیح نباشد – ارزشی برای ما نخواهد داشت.

بنابراین نباید تعجب کنیم که رسالات زندان پولس به طور منظم بر زندگی اخلاقی تأکید می‌کنند. از یک سو، این حقیقت که مسیح پادشاه است، ما را موظف به اطاعت از او می‌کند. از سوی دیگر، این حقیقت که ما با مسیح متحد هستیم ما را موظف می‌کند که مطابق با شخصیت او زندگی کنیم. بیایید ابتدا بر التزام به زندگی اخلاقی تمرکز کنیم که از پادشاهی مسیح سرچشمه می‌گیرد.

مسیح پادشاه

همانطور که پیشتر گفتیم، چون مسیح پادشاه است، اقتدار دارد. این به آن معنی است که او قانونا حق دارد تا ما را به اطاعت فرمان دهد. در مقابل، این یعنی اینکه ما التزامی قانونی به اطاعت از او داریم. و همچنین، همانطور که باز پیشتر هم گفتیم، مسیح یک پادشاه کاملا عادل و منصف است. و این یعنی داوری و اوامر او کاملا اخلاقی هستند و بنابراین ما یک التزام اخلاقی هم برای اطاعت از او داریم. چون مسیح هم اقتدار دارد و هم منصف است، ما قانونا و اخلاقا ملزم به اطاعت از دستورات او هستیم. این از نوع استدلالی است که پولس در فیلیپیان ۲: ۹-۱۲ انجام می‌دهد و می‌نویسد:

خدا نیز او را به‌غایت سرافراز کرد و نامی برتر از همه نام‌ها بدو بخشید، تا به نام عیسی هر زانویی خم شود، در آسمان، بر زمین و در زیر زمین... پس ای عزیزان، همان‌گونه که همیشه مطیع بوده‌اید... نجات خود را ترسان و لرزان به عمل آورید (فیلیپیان ۲: ۹-۱۲).

عیسی خداوند و حاکم بر همه چیز در آسمان، بر زمین، و زیر زمین است. به عبارت دیگر، او پادشاه خلقت است. و پولس بر پایه پادشاهی مسیح، فیلیپیان را به اطاعت از او پند داد. علاوه بر این، همانطور که دیدیم، پادشاهی مسیح شامل احترام او نیز می‌شود. بر این اساس، پولس همچنین استدلال کرد که مسیحیان می‌بایست برای تکریم حرمت پادشاه‌شان، زندگی مقدسی داشته باشند. یک دلیل این است که اطاعت از مسیح، اعتبار او را حفظ می‌کند. دلیل دیگر این است که چون مسیح مقدس و عادل و ارجمند است، سزاوار آن است که اطاعت شود. پولس در فیلیپیان ۱: ۲۷ در این مورد نوشت و گفت:

به شیوه شایسته انجیل مسیح رفتار کنید (فیلیپیان ۱: ۲۷).

و در کولسیان ۱: ۹-۱۰ با این سخنان خوانندگان خود را تشویق کرد:

از خدا می‌خواهیم که... تا رفتار شما شایسته خداوند باشد، و بتوانید او را از هر جهت خشنود سازید: یعنی در هر کار نیک ثمر آورید (کولسیان ۱: ۹-۱۰).

پولس عمیقاً نگران آن بود که احترام و اعتبار مسیح تکریم و پاس داشته شود، و نشان داد که ایمانداران این را با انجام اعمال نیک به جا می‌آورند که از اطاعت فرامین خداوند ناشی می‌شود.

پولس در سراسر رسالات زندان، خوانندگان خود را به اطاعت از مسیح و زندگی اخلاقی با پیروی از فرامین او تشویق می‌کند تا تفکر، احساسات و رفتار درستی داشته باشند. و اگرچه او همیشه به صراحت همه چیز را به پادشاهی عیسی مرتبط نکرد، اما به قدر کافی این کار را انجام داد که روشن کند پادشاهی مسیح باید همیشه یکی از انگیزه‌های اصلی ما برای زندگی خدامحور باشد.

در کنار تعلیم اینکه چون مسیح پادشاه است پس مسیحیان باید یک زندگی اخلاقی داشته باشند، پولس تشریح کرد که چون ما با مسیح متحد هستیم، هم ملزم و هم قادر به زندگی مطابق با شخصیت و فرامین او هستیم.

اتحاد با مسیح

اتحاد ما با مسیح حداقل به سه دلیل ما را ملزم و قادر به یک زندگی اخلاقی می‌کند: نخست، مسیح به روح خود در ما ساکن است و به ما ذاتی جدید می‌بخشد و ما را وادار به انجام اعمال نیک می‌کند. یکی از نتایج حضور ساکن شده روح القدس این است که ذات ما با ذات مسیح هماهنگ شده است. در نتیجه، برای اطاعت از مسیح تبدیل یافته و انگیزه هستیم. در همه اینها، خدا در ما کار می‌کند تا ما را تسلیم خود و با نمونه مسیح هماهنگ کند. گوش کنید که پولس چطور درباره این مسایل در فیلیپیان ۲: ۱۲-۱۳ صحبت می‌کند:

نجات خود را ترسان و لرزان به عمل آورید؛ زیرا خداست که با عمل نیرومند خود، هم تصمیم و هم قدرت انجام آنچه را که خشنودش می‌سازد، در شما پدید می‌آورد (فیلیپیان ۲: ۱۲-۱۳).

بخشی از اتحاد ما با مسیح شامل سکونت روح خدا در وجود ما می‌شود. و روح القدس اراده ما را به حرکت در می‌آورد و مجبورمان می‌کند تا در اطاعت از خدا عمل کنیم، به طوری که زندگی اخلاقی و درستی داشته باشیم. پولس استدلال مشابهی را در کولسیان ۳: ۵-۱۰ ارائه می‌کند:

هرآنچه را در وجود شما زمینی است، بکشید... زیرا آن انسان قدیم را با کارهایش از تن به در آورده‌اید و انسان جدید را در بر کرده‌اید، که در معرفت حقیقی هر آن نو می‌شود تا به صورت آفریننده خویش درآید (کولسیان ۳: ۵-۱۰).

چون ما با مسیح متحد هستیم، ذات جدیدی داریم. و چون خدا ذات جدیدی به ما داده است، ما نه تنها ملزم هستیم، بلکه قدرت این را داریم تا با انجام کارهای نیک و مقاومت در برابر وسوسه به گناه از آن استفاده کنیم.

دوم، خدا فرمان داده است که همه آنانی که با پسر او متحد هستند، می‌بایست زندگی مقدسی داشته باشند. در حقیقت، خدا نه تنها این فرمان را داده است، بلکه حقیقتاً ما را برای کارهای نیک از پیش تعیین کرده است. پولس درباره همین در افسسیان ۲: ۱۰ نوشت و تعلیم داد:

ساخته دست خداییم، و در مسیح عیسی آفریده شده‌ایم تا کارهای نیک انجام دهیم، کارهایی که خدا از پیش مهیا کرد تا در آنها گام برداریم (افسسیان ۲: ۱۰).

ما در مسیح عیسی خلق شدیم، و این یعنی آنکه خدا ما را از طریق اتحاد با عیسای مسیح نجات داد. و بخشی از دلیل آنکه این کار را انجام داد این است که او ما را انجام کارهای نیک از پیش معین کرد. سوم، چون همه ما با مسیح متحد هستیم، با یکدیگر نیز از طریق مسیح متحد هستیم. این ما را ملزم می‌کند تا با یکدیگر به گونه‌ای رفتار کنیم که با خود مسیح می‌کردیم، و می‌خواهیم با ما چگونه رفتار شود. همانطور که پولس در افسسیان ۴: ۲۵ نوشت:

پس، از دروغ روی برتافته، هر یک با همسایه خود سخن به راستی گوئید، چرا که ما همه، اعضای یکدیگریم (افسسیان ۴: ۲۵).

در عبارت «ما همه اعضای یکدیگریم»، منظور پولس این بود که ما همه در مسیح با هم متحد هستیم و این اتحاد ما را ملزم می‌کند که نسبت به یکدیگر با احترام رفتار کنیم، نسبت به همدیگر گناه نکنیم، بلکه برای منفعت همگان کار کنیم. همانطور که او در فیلیپیان ۲: ۱-۳ نوشت:

آیا در اتحاد با مسیح دلگرم هستید؟... با فروتنی، دیگران را از خود بهتر بدانید (فیلیپیان ۲: ۱-۳، ترجمه شریف).

حداقل به این سه دلیل – ذات جدید ما، فرمان خدا، و اتحاد ما با یکدیگر – اتحاد ما با مسیح ما را ملزم و قادر می‌کند تا یک زندگی اخلاقی مطابق با معیارهایی که خدا برای ما در کتاب مقدس قرار داده است باشیم. بعد می‌بینیم که رسالات زندان پولس به لحاظ الیهاتی در پیوستگی با آموزه غنی و چند منظوره او درباره پادشاهی مسیح بر تمام خلقت قرار دارد که شامل اتحاد ایمانداران با مسیح و مسئولیت پی‌آمد ما برای زندگی اخلاقی می‌شود.

همانطور که در درس‌های بعدی خواهیم دید، رسالات زندان پولس شامل بسیاری مضامین دیگر نیز می‌شوند. اما اندیشه‌ای که بیش از همه این مضامین را به یکدیگر پیوند می‌دهد، آموزه پادشاهی مسیح بر خلقت است.

نتیجه‌گیری

در این درس موقعیت‌هایی را که دلیل وجود رسالات زندان پولس هستند و نیز رویکرد اصلی الاهیاتی‌ای که او در این نامه‌ها استفاده کرد را بررسی کردیم. در اتفاقاتی کنکاش کردیم که منجر به دستگیری و بعد از آن، حبس او شد، و به تداوم خدمت پولس در زمان زندان نگاه کردیم. در نهایت، به معرفی مضمون الاهیاتی اصلی‌ای پرداختیم که تمام نامه‌های پولس از زندان را به یکدیگر پیوند می‌دهد و آن، آموزه پادشاهی مسیح بر خلقت است. رسالات زندان پولس به لحاظ الاهیاتی غنی، و برای تعلیم و تشویق کلیسای امروزی بسیار مناسب هستند. در درس‌های آینده، نگاهی عمیق‌تر به این نامه‌ها خواهیم داشت. و در حین بررسی آنها، پیش‌زمینه‌ای که در این درس مطالعه کردیم را به ذهن خواهیم سپرد.

آگاهی از دشواری‌هایی که پولس متحمل شد و خدمتی که در زندان انجام داد، به ما در درک انگیزه‌ها و اهداف پولس در نامه‌نگاری به کلیساهای کولسی، افسس، و فیلیپی کمک می‌کند و درک مضامین الاهیاتی‌ای که این نامه‌ها را به یکدیگر پیوند می‌دهد به ما در درک بسیاری از تعالیم خاص پولس به هر یک از این کلیساهای کمک می‌کند. با این اندیشه‌ها در ذهن، بهتر است که خود را برای درک تعالیم پولس و به کارگیری آنها در زندگی و کلیساهای مان مجهز کنیم.